



شیمی

پایه یازدهم

(دوره‌ی دوم متوسطه)





شیمی پایه یازدهم (دوره دوم متوسطه)

www.ketab.ir

مشخصات کتاب

سرشناسه: عبدالعالی، علی، ۱۳۵۳-
ر: شیمی پایه یازدهم (دوره دوم متوسطه) / مؤلف علی عبدالعالی؛
مشخصات نشر: تهران: مؤسسه علمی رزمندگان، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری: ۹۳ ص: مصور (رنگی)؛ ۲۲×۲۹ س.م.
شابک: ۳-۱۲۶-۱۲-۳۱۲-۶۰۰-۹۷۸-۱۷۰۰۰۰۰ ریال
وضعیت فهرست‌نویسی: فیبای مختصر
شناسه افزوده: موسسه علمی رزمندگان
شماره کتابشناسی ملی: ۸۵۳۱۰۰۸
اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیا

● مدیر مسئول: مرتضی فاطمی نژاد

● طراح و سرپرست مۆلفین: علی عبدالعالی

● گروه ایده‌پردازی و خلاقیت: علی عبدالعالی، امیرحسین اخوین، مصطفی امیرحائری،
کمیل سوهانی، خشایار هنرآمیز فهیم

● ناشر: مؤسسه علمی آموزشی رزمندگان اسلام

● مدیریت پروژه: سعید حسن‌زاده، امیرحسین اخوین

● نوبت چاپ: اول

● شمارگان: ۵۰۰۰

● مرکز پخش: تهران - خیابان انقلاب اسلامی - روبه‌روی سینما بهمن،

ابتدای خیابان منیری جاوید - پلاک ۷۸

● تلفن: ۰۲۱-۶۶۴۶۸۰۵۸

● تلفن مرکز پشتیبانی و فروش: ۰۲۱-۵۸۷۹۵

● قیمت: ۱۷۰/۰۰۰ تومان

● لیتوگرافی، چاپ و صحافی: چاپ بلاغ

پیش گفتار مؤلف

تا به خودش آمد دید همه با هم دارند گلستان سعدی می خوانند:

«مَنْتَ خدای را، عَزَّ وَ جَلَّ، که طاعتش موجب قربت است و به شکر اندرش مزید نعمت. هر نفسی که فرو می رود - این جا بچه ها همه با هم نفس عمیق می کشیدند - مُمَدِّ حیات است و چون برمی آید - و این جا هم نفسشان را بیرون می دادند - مَفْرَحِ ذات؛ پس در هر نفسی دو نعمت موجود است و بر هر نعمت شکری واجب.» و تا به این جا رسیدند، معلم با صدای بلند همه را فراخواند که زیر باران بیایند و دست هایشان را رو به آسمان خدا بگیرند و تا او «یک، دو، سه» می گوید، همه با هم خدا را شکر کنند:

«یک، دو، سه!»
 خدایا شکرت به خاطر این همه نعمت،
 خدایا شکرت که به ما جوارح دادی،
 خدایا شکرت که به جوارح ما قدرت دادی،
 خدایا شکرت که قدرت جوارح ما را در راه خدمت به خودت و خدمت به خلق خویت، قرار دادی،
 خدایا شکرت به خاطر نعمت فرزندی سالم و صالح...
 به نام **دانوین**»

خاک پای همه ی فرزندان پاک ایران
 علی عبدالعالی

«حالا آزمایش بعدی: آهای بچه ها! آهای ملائکه! همه کمک کنید. نشاسته ی ذرت و آب را مخلوط کنید و تا می تونید هم بزنید. قراره سیال غیرنیوتونی درست کنیم. اگه با اون با آرامش بر خورد کنی، یک مایع مهربونه که دست ها و پاها به راحتی توش فرو می رن؛ اما هر چی محکم تر و سریع تر بهش نیرو وارد کنی، مثلاً با مشت محکم یا ضربه ی شدید چکش یا حتی گلوله، گران روی اش چنان زیاد می شه که حتی از سخت ترین فولادها هم محکم تر می شه...» و آن قدر دریاچه ی سیال غیرنیوتونی بزرگ بود که همه ی بچه های ایران قوی و قشنگ و عزیزمون توش بپر می کردند و شور و حال خویشون، حال معلم رو بهتر از همیشه کرده بود.

همه خوشحال بودند. گوسفندی را جلوی پای معلم و رفیقان شفیقش قربانی کردند. معلم به همه گفت که فعلاً بی خیال خوردن جگر سفید شوند و خوب نگاه کنند: سپس چنان در نای گوسفند فوت کرد که ریه هایش به شدت باد شدند و بعد همان جا در مورد نای و نایژه و نایژک و کیسه های هوایی و نحوه ی تبادل CO_2 و O_2 هنگام دم و بازدم توضیح داد و میکروسکوپ مخصوصش را که روی زمین افتاده بود، پیدا کرد و با آب باران، گل هایش را شست و با آن غضروف های C شکل نای و نایژک های دورن شش ها را به بچه ها نشان داد.